

تأثیر تخصص حسابداری در صنعت بر ریسک پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۲۸

مهدی صالحی^۱

ناصر عبدلی محمودآباد^۲

چکیده:

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر تخصص حسابداری در صنعت بر ریسک پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. این تحقیق درصدد است به بررسی شواهد تجربی موجود پرداخته و بدین ترتیب میزان انطباق واقعیت‌های موجود با نظرات و دلایل مطرح در خصوص تأثیر تخصص حسابداری در صنعت بر ریسک پذیری را بررسی کند. در این تحقیق تخصص حسابداری در صنعت و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی شرکت به عنوان متغیرهای مستقل و ریسک پذیری شرکت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در این تحقیق که از داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و تصادفی استفاده شده، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ۱۴۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ شرکت با استفاده از رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می‌دهد بین تخصص حسابداری در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد. از سوی دیگر این نتایج نشان می‌دهد درصد مالکیت سهامداران نهادی بر ارتباط بین تخصص حسابداری در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها تأثیر مستقیم فزاینده دارد. **کلمات کلیدی:** تخصص حسابداری در صنعت، ریسک پذیری شرکت، سرمایه گذاران نهادی

۱. دانشیار گروه آموزشی حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه پیام نور، نویسنده مسئول، ایمیل: Naserabdoli20@gmail.com

۱- مقدمه

نقش و ماهیت حسابداری در ارتباط با عدم قطعیت و تردیدهای حاکم بر کیفیت اطلاعات حسابداری گزارش شده مطرح می‌شود. حسابداری در خط مقدم رسیدگی، گواهی دهی و نهایتاً اعتباربخشی به ادعاهای مدیریت مندرج در صورت‌های مالی است. حسابداری به عنوان یک سازوکار اجتماعی، برای کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به عنوان ابزار نظارتی دولت‌ها است. در بُعد اقتصادی، حسابداری به عنوان داور بیطرف و مستقل در روابط اقتصادی، قراردادهای و کاهش مخاطرات بالقوه اطلاعات عمل می‌کند و اطمینان خاطر و آرامش تصمیم‌گیران و عموم جامعه را فراهم می‌آورد. به عبارت روشنتر، حسابداری نقش‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی را برعهده دارد (یاسایی، ۱۳۸۹). گزارش حسابداری به عنوان محصول نهایی فرآیند حسابداری، ماهیت کالایی (خدمات) عمومی را دارد که استفاده از آن مانع استفاده از دیگر خدمات عمومی نمی‌شود و مصرف آن در انحصار هیچ مصرف‌کننده خاصی نیست. این کالای عمومی همانند سایر کالاها و خدمات باید از کیفیت مناسبی برخوردار باشد تا تقاضا برای آن استمرار داشته باشد. از طرفی حرفه حسابداری، مانند سایر حرفه‌ها، برای حفظ جایگاه خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است. آنچه جامعه از حرفه حسابداری انتظار دارد، ارائه گزارش حسابداری با کیفیت به جامعه است. این ارزش افزوده‌ای است که تنها حرفه حسابداری قادر به افزودن آن به اطلاعات مالی شرکت‌ها است. در این زمینه، وجود آیین رفتار حرفه‌ای به عنوان رهنمودی برای چگونگی کردار حسابرسان و تجربه به عنوان عاملی اساسی برای درک و به کارگیری بهتر آن حیاتی است. از دیدگاه آیین رفتار حرفه‌ای، حفظ اعتماد عمومی به حرفه حسابداری تا زمانی میسر است که حسابداران رسمی خدمات خود را در سطحی ارائه کنند که شایسته اعتماد جامعه باشند. از این رو خدمات حسابداران رسمی باید در بالاترین سطح ممکن و با رعایت ضوابطی ارائه شود که تداوم انجام این خدمات با کیفیت مناسب را تضمین کند. پس اگر حسابداری یک وسیله نظارتی باشد که نقش‌های متعدد مذکور را بر عهده دارد، با ثابت فرض کردن سایر شرایط، صورت‌های مالی که با کیفیت بالا حسابداری شده‌اند، از قابلیت اتکا و اعتماد بیشتری نزد مصرف‌کنندگان این کالا (خدمات) برخوردار خواهند بود (یاسایی، ۱۳۸۹).

۲- تشریح و بیان مسئله

نقش حسابداری در اعتباربخشی به سود شرکتها در پی سقوط انرون از اهمیت برخوردار شده است. تفاوت‌های ناشی از کیفیت حسابداری به صورت تفاوت در اعتبار ارائه شده به‌وسیله حسابرسان و کیفیت سود صاحبکاران، خود را نشان می‌دهد. از آنجا که کیفیت حسابداری دارای ابعاد متفاوتی است و به‌طور ذاتی مشاهده‌ناپذیر است، مشخصه حسابداری خاصی وجود ندارد که به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری آن در نظر گرفته شود. اغلب مطالعات گذشته از حسن شهرت حسابرسان به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری استفاده و رابطه بین حسن شهرت

و کیفیت سود را بررسی کرده‌اند. محققان دیگری همچون بیسلی و پترونی^۳، (۲۰۰۱)، کراسول و همکاران^۴، (۱۹۹۵) علاوه بر حسن شهرت، فرض خود را این‌گونه بنا نهاده‌اند که تخصص حسابرسان در صنعت به‌طور مستقیم به اعتبار ارائه شده به‌وسیله حسابرسان کمک می‌کند. شواهد حاکی از آن است که حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسانی اثربخش‌تری را ارائه می‌کنند. همچنین تغییرات ساختاری در موسسه‌های حسابرسانی در جهت دستیابی به تخصص صنعت، نشان می‌دهد تخصص صنعت نقش مهمی را در کیفیت حسابرسانی بازی می‌کند. نظریه‌های اقتصادی بیانگر آن است که حرفه حسابرسانی با یافتن راه‌های جدید برای تمایز قائل شدن بین خدمات خاص در مؤسسه‌های حسابرسانی به بلوغ و پیشرفت رسیده است. یکی از این ابزارها تخصص‌گرایی در صنعتی خاص است. هوگان و جتر^۵، (۱۹۹۹) دریافتند که مؤسسه‌های حسابرسانی دارای نام تجاری تلاش‌هایی را برای افزایش سطح تخصص خود انجام می‌دهند. آن‌ها سعی می‌کنند تا بر روی مقررات صنعت و ویژگی‌های صنعتی که ریسک دعوای حقوقی نسبتاً کم، رشد سریع، یا صاحبکاران نسبتاً بزرگی دارند متمرکز گردند. واژه تخصص اغلب معادل کیفیت فرض می‌شود. انتظار می‌رود متخصصین در مقام مقایسه با غیرمتخصصین، کیفیت بالاتر و خدمات بیشتری را به همراه حسابرسانی عرضه نمایند (دفاند و همکاران^۶، ۲۰۰۰؛ فرگوسن و همکاران^۷، ۲۰۰۳).

هوگان و جتر، (۱۹۹۹) با اثبات رابطه مؤسسات معتبر حسابرسانی و متخصص در صنعت خاص و افزایش سهم بازار آنها در طول زمان، توضیحات بیشتری را درباره تخصص‌گرایی در صنعت ارائه نموده‌اند. همچنین آنان در تلاش برای افزایش کیفیت حسابرسانی به طور ضمنی به تخصص‌گرایی در صنعتی خاص اشاره کرده‌اند. چندین مطالعه شواهدی برای حمایت از این نظریه ارائه کرده‌اند. کریشنان^۸، (۲۰۰۳) و همچنین بالسام و همکاران^۹، (۲۰۰۳) شواهدی را یافته‌اند مبنی بر اینکه سطح اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران حسابرسان متخصص در صنعت خاص به طور معنی‌داری کمتر از حسابرسان غیرمتخصص در صنعت خاص می‌باشد. به علاوه، بالسام و همکاران، (۲۰۰۳) به ارائه شواهدی پرداخته‌اند که براساس آن ضریب واکنش سود صاحبکاران حسابرسان متخصص در صنعت خاص بیشتر از ضریب واکنش سود صاحبکاران حسابرسان غیرمتخصص در صنعت خاص می‌باشد. این نتایج بیانگر آن است که حسابرسان متخصص توانایی نظارت بیشتری را دارند و بازار خدمات حرفه‌ای نیز، آنان را به همین صورت می‌شناسد. سولومون و همکاران^{۱۰}، (۱۹۹۹) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که آشنایی بیشتر با صنعت صاحبکار، قضاوت بهتر و در نتیجه کیفیت

- 3- Beasley and Petroni
- 4- Craswell et al.,
- 5- Hogan and Jeter
- 6- Dfand et al.,
- 7- Ferguson et al.,
- 8- Krishnan
- 9- Balsam et al.,
- 10- Solomon et al.,

حسابرسی بالاتری را سبب خواهد شد. کریشنان، (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که سودی که توسط متخصصان، حسابرسی شده، محافظه کارانه تر بوده و اقلام تعهدی آن کمتر است که این، به معنی کیفیت حسابرسی بالاتر و مطالبه حق الزحمه بیشتر خواهد بود.

رویکرد سهم بازار، یک حسابرس متخصص صنعت را به‌عنوان یک مؤسسه حسابرسی که خود را از سایر رقیبان از نظر سهم بازار در یک صنعت خاص متمایز کرده است، معرفی می‌کند. این رویکرد فرض می‌کند که با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسه‌های حسابرسی که به یک صنعت خاص خدمت ارائه می‌کنند، می‌توان به میزان دانش تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی پی برد. به‌عنوان مثال بر اساس این رویکرد، سازمان حسابرسی در صنعت خودرو در ایران متخصص است. مؤسسه‌ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد، از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار است. به‌علاوه، سهم معنادار بازار در یک صنعت نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری معنادار است که در مؤسسه‌های حسابرسی در توسعه فناوریهای حسابرسی خاص صنعت صورت گرفته است، طوری که انتظار می‌رود مزایای ناشی از بهبود کیفیت حسابرسی و صرفه اقتصادی (صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید انبوه)، افزایش یابد.

رویکرد سهم پرتفوی، توزیع نسبی خدمات حسابرسی را در صنایع مختلف برای هر مؤسسه حسابرسی مد نظر قرار می‌دهد. به بیانی ساده، هر مؤسسه حسابرسی دارای صاحبکارانی است که پرتفوی آن مؤسسه را شکل می‌دهند. صنعتی که صاحبکاران بیشتری (از لحاظ فروش، مجموع داراییها و غیره) را در پرتفوی مربوط تشکیل می‌دهد، نشان‌دهنده صنعتی است که مؤسسه حسابرسی در آن از تخصص برخوردار است. این رویکرد بیشتر به راهبردهای مؤسسه حسابرسی مربوط است. صنایع صاحبکار مؤسسه حسابرسی با بیشترین سهم پرتفوی، نشان‌دهنده صنایعی هستند که مؤسسه‌های حسابرسی دانش پایه‌ای معناداری را در ارتباط با آن صنایع ایجاد کرده‌اند و سهم بزرگ پرتفوی نشان‌دهنده این است که سرمایه‌گذاری معناداری توسط مؤسسه‌های حسابرسی در توسعه فناوری‌های حسابرسی مربوط به آن صنعت صورت گرفته است. با به‌کارگیری این رویکرد، احتمالاً مؤسسه‌ها بیشترین منابع را برای توسعه دانش خاص صنعت اختصاص داده‌اند، حتی اگر آنها سهم عمده بازار را در آن صنعت در اختیار نداشته باشند. رویکرد سهم پرتفوی برخلاف رویکرد سهم بازار، مزیت نسبی بر سایر حسابرسان را در تعیین تخصص حسابرس در صنعت دخالت نمی‌دهد (هولسشر و سیاوی^{۱۱}، ۲۰۱۴).

با توجه به مطالب فوق، مساله اصلی این تحقیق بررسی تخصص حسابرس در صنعت بر ریسک پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند.

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- سوابق داخلی

جعفری (۱۳۸۹) در مورد کیفیت حسابرسی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران تحقیق نموده است. در تحقیق وی این موضوع که آیا حسابداران رسمی ایران از استقلال و شایستگی لازم در حسابرسی‌های صورت‌های مالی برخوردار بوده‌اند یا نه بررسی گردیده است. در تحقیق وی کیفیت حسابرسی به عنوان شایستگی حسابرسان در کشف تحریفات بااهمیت و گزارش آن در نظر گرفته شده است. محقق عواملی نظیر تخصص گرایی حسابرسان، وجود قوانین و مقررات و همچنین اندازه مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران را بررسی نموده است. این تحقیق در چهار مرحله انجام شده است: نخست، شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی اعضای جامعه از طریق مطالعه کتابخانه‌ای. دوم، کسب نظر متخصصان حسابداری و حسابرسی در مورد تأثیر عوامل شناسایی شده بر کیفیت حسابرسی اعضای جامعه. سوم، بررسی کیفیت واقعی حسابرسی حسابداران رسمی ایران. چهارم، ارائه پیشنهادات لازم برای بهبود در کیفیت حسابرسی حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران. یکی از فرضیات تحقیق ایشان این بود که بین اندازه مؤسسه حسابرسی عضو جامعه و انگیزه آنان در حفظ بیطرفی برای گزارش تحریفات کشف شده، رابطه معنی داری وجود دارد. از طریق آزمون t فرضیه فوق ثابت و در نهایت محقق پیشنهاد کرد مقرراتی تدوین شود تا مؤسسات حسابرسی کوچکتر ادغام شوند و تشکیل مؤسسات حسابرسی بزرگتری را دهند تا در کیفیت حسابرسی بهبود حاصل شود.

آذین فر (۱۳۹۰) رابطه میان کیفیت حسابرسی و اندازه حسابرس را مورد مطالعه قرار داده است. مؤسسات به لحاظ اندازه در دو دسته کوچک و بزرگ طبقه بندی شده‌اند. سازمان حسابرسی به علت پرسنل بیشتر و قدمت زیاد به عنوان حسابرس بزرگ و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی به عنوان حسابرس کوچک (غیربزرگ) انتخاب شده و درصد تحریفات کشف شده معیار سنجش کیفیت حسابرسی تعیین شده است. در نهایت وی به این نتیجه رسیده است که مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی نسبت به سازمان حسابرسی از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار می‌باشند.

ابراهیمی و سیدی (۱۳۹۱) در تحقیق خود در ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی تأثیر نوع مؤسسه حسابرسی (سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات) و نوع اظهارنظر حسابرس در گزارش حسابرسی بر روی اقلام تعهدی اختیاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تنها نوع مؤسسه حسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری ارتباط دارد.

سجادی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان تأثیر معیارهای کیفیت حسابرسی بر ریسک سرمایه گذاری با بررسی ۱۲۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ به این نتیجه رسیدند که متغیرهای اندازه مؤسسه حسابرسی و تداوم انتخاب حسابرس تأثیر مثبت و معناداری و متغیر تخصص حسابرس در صنعت تأثیر منفی و معنادار بر ریسک سرمایه گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند.

جعفری (۱۳۹۲) تأثیر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد مطالعه قرار داده است. منظور از چرخش، جابجایی و تعویض حسابرسان در دوره‌های زمانی حداکثر چهارساله و کیفیت حسابرسی نیز حاصل جمع شایستگی (توانایی کشف اشتباه) و استقلال حسابرسان (انگیزه گزارش موارد کشف شده) بوده است. وی به این نتیجه رسیده است که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

۲-۳ سوابق خارجی

لی و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۹) به مقایسه کیفیت حسابرسی شرکت‌های کره‌ای که حسابرسان آنها از طریق مراجع قانونی تعیین شده‌اند، نسبت به آن گروه از شرکت‌ها که انتخاب حسابرسان در اختیار خودشان بوده پرداخته‌اند. بنا بر دیدگاه این محققان تخصیص قانونی کارها باعث حذف فشارهای مدیریتی بر حسابرسان در انتخاب مجدد آنان شده و باعث افزایش استقلال حسابرسان و در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه اعتبار گزارش‌های مالی می‌شود. هوپ و لانگلی^{۱۳} (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین میزان حق‌الزحمه حسابرسی و غیر حسابرسی با استقلال حسابرسان پرداخته‌اند. در این تحقیق برای بررسی استقلال حسابرسان از میزان گزارش‌های مشروط حسابرسان استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان وابستگی حسابرسان به حق‌الزحمه، تمایل حسابرسان به ارائه گزارش مشروط را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. و آنان نتیجه‌گیری می‌کنند که علت حفظ استقلال حسابرسان به عواملی فراتر از ریسک دعاوی حقوقی و زیان از دست دادن شهرت بستگی دارد و نتایج را با وفاداری حسابرسان به آیین رفتار حرفه‌ای و واقع بینی در ارائه خدمات حسابرسی سازگار می‌دانند. فیث و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۲) تأثیر انواع چرخش حسابرسان شامل چرخش اجباری، چرخش اختیاری، چرخش شریک مسئول و چرخش موسسه حسابرسی را بر کیفیت خدمات حسابرسی در بازار سرمایه چین مورد بررسی قرار دادند. نتایج یافته‌های آنها حاکی از آن است که بین چرخش اجباری شریک و چرخش اختیاری موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی رابطه معکوس معناداری وجود دارد که این رابطه در مورد چرخش اختیاری شریک و چرخش اجباری موسسه حسابرسی معنادار نمی‌باشد. لی و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۳) در تحقیقی تأثیر و نقش کیفیت حسابرسی در مدیریت ریسک پروژه‌های مهندسی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و نتایج یافته‌های آنها نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی نقش مهم و اثرگذاری در مدیریت ریسک پروژه‌های مهندسی داشته بطوریکه عملکرد و کیفیت حسابرسان بطور معناداری باعث افزایش کارایی و اثر بخشی این پروژه‌ها شده است. آلبرت و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۳) در تحقیق خود بیست زمینه همکاری را که در آنها، حسابرسان

12- Lee et al.,

13- Hope and Langley

14- Fyrs et al.,

15- Lee et al.,

16- Albert et al.,

مستقل می‌توانند با حسابرسان داخلی در ارتباط باشند، شناسایی کرده‌اند. مهم‌ترین این موارد، شامل گردآوری اطلاعات، حسابرسی سیستم‌های رایانه‌ای، بررسی حساب‌ها و کمک به اجرای آزمون‌های محتوا است. جوهرل و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۴) در تحقیق خود تأثیر مکانیزم‌های نظارتی شامل کیفیت حسابرسی و هیات مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج یافته‌های آنها نشان می‌دهد که کارایی عملکرد نظارتی هیات مدیره و کیفیت حسابرسی موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد. هولسشر و سیاوی (۲۰۱۴) در تحقیق خود تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر ریسک‌پذیری شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج یافته‌های آنها نشان می‌دهد که بین تخصص حسابرسان در صنعت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های آنها نشان می‌دهد مکانیزم‌های نظارتی همچون درصد مالکیت سهامداران نهادی و پوشش تحلیل‌گران بر ارتباط بین تخصص حسابرسان در صنعت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها تأثیر مثبتی دارد.

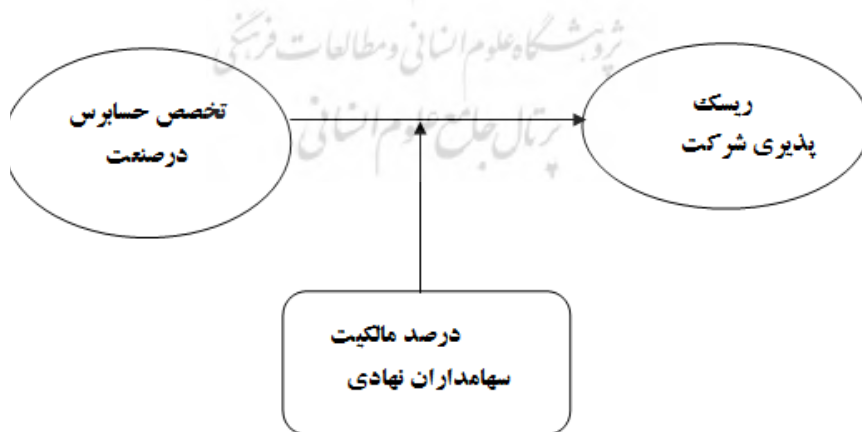
۴- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین تخصص حسابرسان در صنعت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد.

فرضیه دوم: درصد مالکیت سهامداران نهادی بر ارتباط بین تخصص حسابرسان در صنعت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها تأثیر دارد.

۴-۱- مدل و تعریف عملیاتی متغیرها

الف: مدل مفهومی



ب: مدل آزمون فرضیه اول

$$\text{RISK}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{SPECIALIST}_{it} + \beta_2 \text{LN_ASSETS}_{it} + \beta_3 \text{MB}_{it} + \beta_4 \text{LEV}_{it} + \beta_5 \text{PAYOUT}_{it} + \beta_6 \text{ANNRET}_{it} + \beta_7 \text{CAPEX}_{it} + \beta_8 \text{COMP}_{it} + \beta_9 \text{ROA}_{it} + \beta_{10} \text{TENURE}_{it} + \beta_{11} \text{STD_CFO}_{it} + \beta_{12} \text{AGE}_{it} + \beta_{13} \text{ABNAC}_{it} + \beta_{14} \text{PEG}_{it} + \epsilon_{i,t}$$

ج: مدل آزمون فرضیه دوم

$$\text{RISK}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{SPECIALIST}_{it} + \beta_2 \text{INSTHOLD}_{it} + \beta_3 \text{SPECIALIST}_{it} * \text{INSTHOLD}_{it} + \beta_4 \text{LN_ASSETS}_{it} + \beta_5 \text{MB}_{it} + \beta_6 \text{LEV}_{it} + \beta_7 \text{PAYOUT}_{it} + \beta_8 \text{ANNRET}_{it} + \beta_9 \text{CAPEX}_{it} + \beta_{10} \text{COMP}_{it} + \beta_{11} \text{ROA}_{it} + \beta_{12} \text{TENURE}_{it} + \beta_{13} \text{STD_CFO}_{it} + \beta_{14} \text{AGE}_{it} + \beta_{15} \text{ABNAC}_{it} + \beta_{16} \text{PEG}_{it} + \epsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته

RISK = ریسک پذیری شرکت i در سال t . ریسک پذیری شرکت از طریق انحراف معیار بازده ماهانه سهام شرکت به دست می‌آید.

متغیرهای مستقل

SPECIALIST = تخصص حسابرس در صنعت که طبق رویکرد سهم بازار محاسبه می‌شود. رویکرد سهم بازار، یک حسابرس متخصص صنعت را به‌عنوان یک مؤسسه حسابرسی که خود را از سایر رقیبان از نظر سهم بازار در یک صنعت خاص متمایز کرده است، معرفی می‌کند. این رویکرد فرض می‌کند که با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسه‌های حسابرسی که به یک صنعت خاص خدمت ارائه می‌کنند، می‌توان به میزان دانش تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی پی برد. به‌عنوان مثال بر اساس این رویکرد، سازمان حسابرسی در صنعت خودرو در ایران متخصص است. مؤسسه‌ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد، از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار است. به‌علاوه، سهم معنادار بازار در یک صنعت نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری معنادار است که در مؤسسه‌های حسابرسی در توسعه فناوریهای حسابرسی خاص صنعت صورت گرفته است، طوری که انتظار می‌رود مزایای ناشی از بهبود کیفیت حسابرسی و صرفه اقتصادی (صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید انبوه)، افزایش یابد.

INSTHOLD = درصد مالکیت سهامداران نهادی

متغیرهای کنترل

LN_ASSETS = جمع داراییهای شرکت i در پایان دوره t .

MB = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در پایان دوره t .

LEV = اهرم مالی که از نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در

پایان دوره t محاسبه می‌شود.

PAYOUT = میزان سود تقسیمی شرکت i در دوره t .

ANNRET = بازده سالانه شرکت i در دوره t .

CAPEX = مخارج سرمایه‌ای شرکت i در دوره t که از طریق خالص افزایش دارایی‌های ثابت طی دوره محاسبه می‌شود.

COM = پاداش هیات مدیره شرکت i در دوره t که از طریق لگاریتم طبیعی پاداش سالانه هیات مدیره طی دوره محاسبه می‌شود.

ROA = بازده دارایی‌های شرکت i در دوره t که از طریق نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

TENURE = دوره تصدی حسابرس شرکت i در دوره t .

STD_CFO = انحراف معیار وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت طی سه سال قبل.

AGE = سن شرکت که از تفاوت سال تأسیس و سال مورد رسیدگی.

ABNAC = ارقام تعهدی غیر عادی شرکت i در دوره t .

PEG = هزینه سرمایه شرکت i در دوره t . هزینه سرمایه یک شرکت، نرخ متوسط بازده مورد نظر سهامداران و اعتباردهندگان می‌باشد. منابع تأمین مالی سرمایه گذارهای شرکت شامل بدهی‌های بلند مدت (نظیر وام و انواع مختلف اوراق بدهی) و سهام عادی می‌باشد. هزینه سرمایه شرکت به صورت میانگین موزون محاسبه می‌شود که وزنه‌های آن برحسب ارزش‌های منابع مختلف سرمایه تعیین می‌شوند. برای محاسبه هزینه سرمایه متناسب به سهامداران از مدل CAPM و برای هزینه سرمایه متناسب به اعتباردهندگان از نرخ تصویبی تأمین مالی ابلاغی بانک مرکزی به بانک‌های عامل استفاده می‌شود.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. از لحاظ نحوه استدلال روش تحقیق به صورت قیاسی-استقرایی است، بدین معنی که درمبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعه کتابخانه‌ای، سایر سایت‌ها، مقالات از استدلال قیاسی و در تأیید یارد فرضیه‌ها از استدلال استقرایی استفاده شده است.

۶- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که تا پایان سال ۱۳۹۲ بر پایه نرم‌افزار ره‌آورد نوین بورس برابر با ۴۷۸ تعداد شرکت بوده است. حجم نمونه به روش غربال گری و بر اساس معیارهای زیرگزینش می‌گردند:

۱- اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای عملیاتی تحقیق، برای آنها در دسترس باشد.

۲- دست کم از سال ۱۳۸۶ در بورس پذیرفته شده و تا پایان دوره تحقیق در بورس فعال باشند.

۳- پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد.

۴- جزء موسسه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشد. در نهایت با توجه به روش غربالگری و پس از حذف مشاهدات پرت تعداد نمونه نهایی برابر با ۱۴۷ شرکت طبق جدول (۱) است.

جدول ۱- نمونه آماری تحقیق		
تعداد	تعداد	شرح
۴۷۸		کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۱۳۹۲
	۹۷	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده که در قلمرو زمانی ۹۲-۸۷ وارد بورس شده‌اند
	۲۴	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۹۲-۸۷ از بورس برون رفت داشته‌اند
	۳۵	تعداد شرکت‌های فعال در صنعت مالی، سرمایه‌گذاری و بانک
	۶۷	به منظور همگن بودن، شرکت‌هایی که سال مالی آنها به ۱۲/۲۹ ختم نمی‌شود.
	۸۷	داده‌های مورد نیاز این تحقیق در مورد این شرکتها نیز در دسترس نباشد
	۲۱	شرکت‌های دارای داده‌های پرت
(۳۳۱)		مجموع شرکت‌های حذف شده
۱۴۷		تعداد شرکت‌های مورد بررسی

۷- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات در مورد ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق و فرمول‌های استخراج متغیرهای تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. داده‌های آماری مرتبط با فرضیه‌های تحقیق با استفاده از روش اسناد و مدارک سازمانی از صورت‌های مالی شرکت‌ها استخراج و با توجه به فرضیه‌های تحقیق، داده‌های متغیرها از اطلاعات بدست آمده محاسبه شده است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از طریق بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای و مراجعه به کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار و استفاده از نرم افزار ره‌آورد نوین و مراجعه به وب سایت www.rdis.ir سایت متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار (مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی)، جمع‌آوری شده است. در تحقیق حاضر برای بررسی بین متغیرهای فرضیه‌ها، اطلاعات مربوط به شرکت‌های نمونه، ابتداء محاسبات اولیه در صفحه گسترده نرم افزار (Excel) انجام گرفته و داده‌ها برای تجزیه و تحلیل آماده خواهد گردید، سپس به منظور انجام تجزیه و تحلیل‌های نهایی از نرم افزار SPSS ۱۹ و EViews ۶ استفاده خواهد شد.

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- آمار توصیفی داده‌ها

در جدول (۲)، آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق را در طی دوره مورد بررسی نشان می‌دهد. آمار توصیفی متغیرها تحقیق که با استفاده از داده‌های شرکت‌ها طی دوره آزمون (سال‌های ۹۲-۱۳۸۷) اندازه‌گیری شده‌اند، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه و بیشینه ارائه گردیده است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

شرح متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
RISK _{it}	۰,۰۷۹۱	۰,۱۳۸	۰,۴۰۳	۰,۰۰۵	۰,۵۲۴
SPECIALIST _{it}	۰,۰۸۵	۰,۱۱۵	۰,۴۰۰	۰,۰۰۳	۰,۵۲۲
LN_ASSETS _{it}	۰,۰۵۳	۰,۱۱۲	۰,۰۶۹	۰,۰۲۶	۰,۱۱۳
MB _{it}	۱,۱۲۱	۱,۱۶۷	۳,۱۱۲	۰,۸۹۵	۲,۷۴۵
LEV _{it}	۱,۲۵۹	۰,۸۶۳	۰,۶۰۰	۱,۰۱۰	۰,۷۲۰
PAYOUT _{it}	۰,۰۸۰	۰,۱۳۸	۰,۴۰۳	۰,۰۰۵	۰,۵۲۴
ANNRET	۰,۰۸۵	۰,۱۱۵	۰,۴۰۰	۰,۰۰۳	۰,۵۲۲
CAPEX _{it}	۰,۰۸۰	۰,۰۸۵	۰,۰۵۳	۰,۰۰۰	۱,۲۵۹
COMP _{it}	۰,۱۳۸	۰,۱۱۵	۰,۱۱۲	۰,۰۰۰	۰,۸۶۳
ROA _{it}	۰,۴۰۳	۰,۴۰۰	۰,۰۶۹	۰,۲۰۰	۰,۶۰۰
TENURE _{it}	۰,۰۰۵	۰,۰۰۳	۰,۰۲۶	۰,۰۰۰	۱,۰۱۰
STD_CFO _{it}	۰,۵۲۴	۰,۵۲۲	۰,۱۱۳	۰,۳۳۰	۰,۷۲۰
AGE _{it}	۱۲,۸۲۲	۱۲,۶۵۹	۱,۳۴۲	۹,۵۳۶	۱۹,۶۱۸
ABNAC _{it}	۰,۱۳۳	۰,۱۰۵	۰,۱۰۷	۰,۰۰۰	۰,۷۲۶
PEG _{it}	۰,۳۰۲۱	۰,۲۴۶۷	۱,۷۸۶	۰,۱۹۵۵	۰,۴۴۶۲

۸-۲- تعیین مدل مناسب برای تخمین مدل رگرسیون

با توجه به ادبیات تحقیق موجود و نیز ماهیت فرضیه‌های تحقیق در این پژوهش از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. بمنظور تعیین مدل مناسب (تلفیقی یا تابلویی یا اثرات ثابت یا تصادفی) برای آزمون فرضیات از آزمون‌های چاو و هاسمن استفاده شده است.

۸-۲-۱- آزمون چاو

نتایج مربوط به آزمون F برای مدل رگرسیونی تحقیق حاضر در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- آزمون چاو

نتیجه آزمون		احتمال	آماره F	مدل رگرسیونی
مدل پانل	رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۲۸۴/۰۰۱	اول
مدل پانل	رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۲۴۳/۸۷۲	دوم

در مورد مدل‌های اول و دوم با توجه به سطح معناداری نتایج آزمون چاو نشان می‌دهد فرض H_0 (مدل تلفیقی) تأیید نمی‌شود. به بیان دیگر، آثار فردی یا گروهی وجود دارد و باید از روش داده‌های تابلویی (پانل) برای برآورد مدل رگرسیونی تحقیق استفاده شود که در ادامه برای تعیین نوع مدل پانل (با اثرات تصادفی یا اثرات ثابت) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

۸-۲-۲- آزمون هاسمن

پس از مشخص شدن اینکه عرض از مبدأ برای سال‌های مختلف یکسان نیست، باید روش استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت یا تصادفی) تعیین گردد که بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌گردد. در آزمون هاسمن فرضیه H_0 مبنی بر سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی را در مقابل فرضیه H_1 مبنی بر ناسازگاری تخمین‌های اثر تصادفی آزمون می‌نماید.

جدول ۴- آزمون هاسمن

نتیجه آزمون		احتمال	آماره χ^2	مدل رگرسیونی
پانل با اثرات ثابت	رد فرض صفر	۰/۰۰۰۰	۲۸۱/۰۱۲	اول
پانل با اثرات تصادفی	قبول فرض صفر	۰/۳۷۸	۲/۹۸۲	دوم

نتایج مربوط به آزمون هاسمن برای مدل‌های اول و دوم در جدول ۴ نشان داده شده است. نتایج نشان داده که آماره χ^2 آزمون هاسمن برای مدل اول برابر با ۲۸۱/۰۱۲ بدست آمده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار می‌باشند که حاکی از تأیید فرضیه H_1 می‌باشد، لذا با توجه به آزمون هاسمن برازش مدل‌های رگرسیونی اول این تحقیق با استفاده از مدل داده‌های پانل به روش اثرات ثابت مناسب خواهد بود. از سوی دیگر نتایج مربوط به آزمون هاسمن برای مدل دوم در جدول ۴ نشان داده شده است. نتایج نشان داده که آماره χ^2 آزمون هاسمن برای مدل دوم برابر با ۰/۳۷۸ بدست آمده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار نمی‌باشند که حاکی از رد فرضیه H_1 می‌باشد، لذا با توجه به آزمون هاسمن برازش مدل رگرسیونی دوم این تحقیق با استفاده از مدل داده‌های پانل به روش اثرات تصادفی مناسب خواهد بود.

۸-۲-۳- آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است. جدول خروجی آزمون $K-S$ در نرم‌افزار SPSS، برای این متغیر به شرح جدول (۵) است. با توجه به جدول فوق و آماره Z کولموگروف اسمیرنوف از آنجائی که سطح معناداری برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه H_0 تأیید شده لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت متغیرهای مزبور در مدل‌های فوق از توزیع نرمال برخوردارند.

جدول ۵- آزمون کولموگروف اسمیرنوف

نام متغیر	Z کولموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری	نتیجه
RISK _{it}	۰,۶۶۹۷	۰,۴۶۹۶	توزیع نرمال است

۸-۳- نتایج حاصل از برازش مدل‌های رگرسیونی

۸-۳-۱- آزمون فرضیه اول

« بین تخصص حسابرسان در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد.»
 $RISK_{it} = \beta_0 + \beta_1 SPECIALIST_{it} + \beta_2 LN_ASSETS_{it} + \beta_3 MB_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 PAYOUT_{it} + \beta_6 ANNRET_{it} + \beta_7 CAPEX_{it} + \beta_8 COMP_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} TENURE_{it} + \beta_{11} STD_CFO_{it} + \beta_{12} AGE_{it} + \beta_{13} ABNAC_{it} + \beta_{14} PEG_{it} + \epsilon_{it}$

پس از آزمون مفروضات رگرسیون و اطمینان از برقراری آن‌ها، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در جدول ۶ ارائه شده است. مقدار آماره $F(14/765)$ نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. ضریب تعیین و ضریب تعدیل شده مدل فوق به ترتیب عبارتند از $42/8$ درصد و $38/1$ درصد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود $38/1$ درصد از تغییرات متغیر وابسته شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می‌شوند. در این جدول اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم (معکوس) هر یک از متغیرها بر ریسک پذیری شرکت‌ها است.

جدول ۶- نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	β_0	۱/۵۲۲	۲/۸۷۳	۰/۰۰۴
$SPECIALIST_{it}$	β_1	۰/۴۱۲	۴/۲۳۱	۰/۰۰۰۶
LN_ASSETS_{it}	β_2	-۱/۱۵۶	-۳/۱۱۱	۰/۰۲۸
MB_{it}	β_3	۰/۸۴۳	۲/۹۰۹	۰/۰۳۱
LEV_{it}	β_4	۰/۷۴۳	۲/۹۲۱	۰/۰۱۶
$PAYOUT_{it}$	β_5	۰/۹۱۱	۲/۱۲۹	۰/۰۴۱
ANNRET	β_6	۱/۱۲۱	۳/۲۷۳	۰/۰۰۲۷
$CAPEX_{it}$	β_7	۱/۵۶۱	۳/۱۵۴	۰۰۲/۰
$COMP_{it}$	β_8	۱/۴۲۱	۲/۳۸۱	۰/۰۱۸
ROA_{it}	β_9	۱/۵۲۷	۲/۶۱۹	۰/۰۰۹
$TENURE_{it}$	β_{10}	۰/۴۰۹	۲/۴۵۱	۰/۰۴۴
STD_CFO_{it}	β_{11}	۰/۹۲۲	۳/۷۱۱	۰/۰۰۱
AGE it	β_{12}	۰/۳۳۴	۳/۰۷۳	۰/۰۱۳
$ABNAC_{it}$	β_{13}	۰/۳۸۱	۳/۸۳۸	۰/۰۰۱۷

۰/۰۴۱	۲/۳۸۸	۰/۵۳۹	β_{14}	PEG it
۱۴/۷۶۵	آماره F		۰/۴۲۸	ضریب تعیین
۰/۰۰۰	معنی داری (P-Value)		۰/۳۸۱	
۲/۰۱۸	آماره دوربین واتسون		ضریب تعیین تعدیل شده	

مطابق با جدول ۶ سطح معنی داری (sig) متغیر تخصص حسابداری در صنعت کمتر از سطح معنی داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدرمطلق آماره t مربوط به این متغیرها بزرگتر از آماره t بدست آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H_1 مبنی بر این که بین تخصص حسابداری در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد، تأیید می‌گردد. این نتایج منطبق با نتایج تحقیق (هولسشر و سیاوی، ۲۰۱۴) می‌باشد.

۸-۳-۲- آزمون فرضیه دوم

« درصد مالکیت سهامداران نهادی بر ارتباط بین تخصص حسابداری در صنعت و ریسک پذیری

شرکت‌ها تأثیر دارد.»

$$\text{RISK it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ SPECIALIST it} + \beta_2 \text{ INSTHOLD it} + \beta_3 \text{ SPECIALIST it} * \text{INSTHOLD it} + \beta_4 \text{ LN_ASSETS it} + \beta_5 \text{ MB it} + \beta_6 \text{ LEV it} + \beta_7 \text{ PAYOUT it} + \beta_8 \text{ ANNRET it} + \beta_9 \text{ CAPEX it} + \beta_{10} \text{ COMP it} + \beta_{11} \text{ ROA it} + \beta_{12} \text{ TENURE it} + \beta_{13} \text{ STD_CFO it} + \beta_{14} \text{ AGE it} + \beta_{15} \text{ ABNAC it} + \beta_{16} \text{ PEG it} + \epsilon_{i,t}$$

پس از آزمون مفروضات رگرسیون و اطمینان از برقراری آن‌ها، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در جدول (۷) ارائه شده است. مقدار آماره F (۱۴/۷۶۵) نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل فوق به ترتیب عبارتند از ۴۹/۱ درصد و ۴۴/۷ درصد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۴۴/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می‌شوند. در این جدول اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم (معکوس) هر یک از متغیرها بر ریسک پذیری شرکت‌های مورد بررسی است.

جدول ۷ - نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری
عدد ثابت	β_0	-۰/۶۵۱	-۰/۲۲۳	۰/۸۲۳
SPECIALIST it	β_1	۰/۵۴۵	۲/۸۸۱	۰/۰۲۶
INSTHOLD it	β_2	۰/۴۴۲	۲/۶۶۱	۰/۰۳۲
SPECIALIST it * INSTHOLD	β_3	۱/۷۰۹	۳/۴۵۱	۰/۰۱۱
LN_ASSETS it	β_4	-۰/۹۲۲	-۳/۷۱۱	۰/۰۰۱
MB it	β_5	۱/۰۳۴	۳/۰۷۳	۰/۰۱۳
LEV it	β_6	۱/۰۸۱	۳/۸۳۸	۰/۰۰۱۷
PAYOUT it	β_7	۰/۶۳۱	۲/۳۸۸	۰/۰۴۱
ANNRET	β_8	۰/۷۵۳	۲/۱۴۱	۰/۰۴۸
CAPEX it	β_9	۱/۸۹۴	۲/۶۰۱	۰/۰۳۱
COMP it	β_{10}	۰/۷۱۱	۰/۶۷۱	۰/۵۴۱
ROA it	β_{11}	۰/۹۶۷	۰/۵۷۶	۰/۱۲۱
TENURE it	β_{12}	۰/۸۵۴	۱/۱۰۹	۰/۲۳۱
STD_CFO it	β_{13}	۰/۶۶۵	۳/۵۵۶	۰/۰۰۷۸
AGE it	β_{14}	۰/۱۵۶	۳/۱۱۱	۰/۰۲۸
ABNAC it	β_{15}	۰/۳۳۴	۲/۹۰۹	۰/۰۳۱
PEG it	β_{16}	۰/۶۴۸	۲/۹۲۱	۰/۰۱۶
ضریب تعیین	۰/۴۹۱	آماره F	۱۴/۷۶۵	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۴۷	معنی داری (P-Value)	۰/۰۰۰	
		آماره دوربین واتسون	۲/۱۳۴	

مطابق با جدول (۷)، سطح معنی داری (Sig) متغیر اثر تعاملی تخصص حسابرس در صنعت و درصد مالکیت سهامداران نهادی کمتر از سطح معنی داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۰/۰۵) است؛ همچنین قدرمطلق آماره t مربوط به این متغیرها بزرگتر از آماره t بدست آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H_1 مبنی بر این که درصد مالکیت سهامداران نهادی بر ارتباط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها تأثیر دارد، تأیید می‌گردد. این نتایج منطبق با نتایج تحقیق (هولسشر و سیاوی، ۲۰۱۴) می‌باشد.

۹- بحث و نتیجه گیری

تخصص حسابرس در صنعت به طور مستقیم به اعتبار ارائه شده به وسیله حسابرس کمک می‌کند. شواهد حاکی از آن است که حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی اثربخشتری را ارائه می‌کنند. همچنین تغییرات ساختاری در موسسه‌های حسابرسی در جهت دستیابی به تخصص صنعت، نشان می‌دهد تخصص صنعت نقش مهمی را در کیفیت حسابرسی بازی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد، بنابراین فرضیه اول تحقیق حاضر تأیید می‌گردد. این نتیجه با نتایج تحقیق هولششر و سیاوی (۲۰۱۴) یکسان می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان داد که درصد مالکیت سهامداران نهادی بر ارتباط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها تأثیر دارد، بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد. این نتایج منطبق با نتایج تحقیق هولششر و سیاوی (۲۰۱۴) می‌باشد. نتایج یافته‌های آنها نشان می‌دهد مکانیزم‌های نظارتی همچون درصد مالکیت سهامداران نهادی و پوشش تحلیل‌گران بر ارتباط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها تأثیر مثبتی دارد. لی و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی تأثیر و نقش کیفیت حسابرسی در مدیریت ریسک پروژه‌های مهندسی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و نتایج یافته‌های آنها نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی نقش مهم و اثرگذاری در مدیریت ریسک پروژه‌های مهندسی داشته بطوریکه عملکرد و کیفیت حسابرسان بطور معناداری باعث افزایش کارایی و اثر بخشی این پروژه‌ها شده است تحقیق حاضر نیز با توجه به معادل بودن واژه کیفیت حسابرسی با تخصص تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و ریسک پذیری شرکت‌ها را بررسی کرده و به نتایج مشابه دست یافته است لذا تحقیق مذکور نیز با نتایج بدست آمده در این تحقیق هم خوانی دارد.

۱۰- پیشنهادهای کاربردی پژوهش

با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهادهایی برای استفاده از این نتایج به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- توجه نهادهای قانون‌گذار از جمله سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران و ... به روابط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک پذیری حسابرس.
- به سازمان بورس پیشنهاد می‌شود با ارائه شاخص‌های مرتبط با کیفیت خدمات حسابرسی و رتبه بندی شرکت‌های پذیرفته شده از نظر تخصص حسابرس در صنعت در تخصیص بهینه سرمایه در بازار کمک نموده تا از این طریق موجب افزایش شفافیت محیط تصمیم‌گیری شود.
- با توجه به یافته‌های این تحقیق به فعالان بازار سرمایه، تصمیم‌گیرندگان، تحلیلگران مالی و سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد در تحلیل طرح‌های سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی و اوراق بهادار به روابط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک پذیری حسابرس که در این تحقیق بدان اشاره شد، توجه ویژه مبذول داشته؛ زیرا لحاظ این عوامل مهم منجر به انتخاب سبد سرمایه‌گذاری بهینه با کمینه مخاطره و بیشترین بازدهی می‌گردد، ضمن آنکه شفافیت محیط تصمیم‌گیری و نتایج حاصله را نیز دوچندان می‌نماید.

□ ۱۱- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- ۱) به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:
 - ۱) بررسی تأثیر متغیرهای همچون ساختار مؤسسات حسابرسی (از لحاظ تعداد کارکنان، رده شغلی کارکنان و مدارک حرفه‌ای آنها)، چرخش اجباری و اختیاری مؤسسات حسابرسی بر ریسک پذیری شرکت‌ها.
 - ۲) می‌توان موضوع تحقیق حاضر را در دیگر صنایع مورد بررسی قرار داد و انتظار می‌رود با توجه به تفاوت ماهیت فعالیت شرکت‌ها در صنایع مختلف نتایج متفاوتی حاصل شود.
 - ۳) بررسی مقایسه‌ای موضوع تحقیق حاضر، در نمونه‌های تفکیک شده بر اساس اندازه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به دو گروه بزرگ و کوچک.
 - ۴) بررسی مقایسه‌ای موضوع تحقیق حاضر، در نمونه‌های تفکیک شده بر اساس مراحل چرخه عمر (رشد، بلوغ و افول) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

□ ۱۲- محدودیت‌های پژوهش

- در هنگام انجام هر تحقیق محدودیت‌هایی نیز بر سر راه محقق قرار می‌گیرد که این تحقیق نیز از آن مستثنی نیست. عمده‌ترین محدودیت‌های تحقیق حاضر که در تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم آن باید مد نظر قرار گیرد به شرح زیر است:
 - ۱) در این تحقیق با برخی محدودیت‌ها در زمینه انتخاب نمونه مواجه بودیم که از آن جمله عدم تغییر سال مالی، در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز متغیرها و ... بود. قطعاً استفاده از دوره‌های و تعداد شرکت‌های بیشتر بر اعتبار و روایی تحقیق خواهد افزود.
 - ۲) یکی از محدودیت‌های این تحقیق عدم استفاده از رگرسیون در سطح شرکت (رگرسیون سری زمانی) به دلیل کوتاه بودن سری زمانی هر شرکت بوده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در سال‌های آتی با در اختیار داشتن اطلاعات لازم برای انجام تحقیق مشابه در بازه زمانی طولانی‌تر، این تحقیق با استفاده از رگرسیون سری زمانی در سطح هر شرکت انجام گردد.
 - ۳) با توجه به قلمرو زمانی تحقیق حاضر (۹۲-۱۳۸۷) و نیز اینکه شرکت‌های نمونه از لحاظ اندازه، ساختار سازمانی، نوع محصولات و نوع صنعت لزوماً معرف تمام واحدهای اقتصادی فعال در کشور نیستند، لذا تعمیم یافته‌ها بایستی با احتیاط انجام گیرد.

□ منابع و مأخذ

- ۱- آذین فر نسرین، پاییز ۱۳۹۰، «بررسی رابطه کیفیت حسابداری و ریسک مالی و تجاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، گروه حسابداری، دانشگاه اصفهان، تحقیقات حسابداری، ۲(۷):۷۲-۸۵.
- ۲- ابراهیمی و سیدی، ۱۳۹۱، بررسی تأثیر نوع مؤسسه حسابداری (سازمان حسابداری و سایر مؤسسات) و نوع اظهارنظر حسابداری در گزارش حسابداری بر روی اقلام تعهدی اختیاری
- ۳- زهره جعفری، ۱۳۹۲. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. نشر آگاه.
- ۴- سجادی سیدحسین، نیک کار جواد و حاجی زاده سعید ۱۳۹۱، تأثیر معیارهای کیفیت حسابداری بر ریسک سرمایه گذاری در شرکتهای بورسی، مجله دانش حسابداری، سال سیزدهم، شماره ۵۰ صص ۲۳-۴۱
- ۵- جعفری، ۱۳۹۲، تأثیر چرخش مؤسسات حسابداری بر کیفیت حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری
- ۶- یاسایی سلوا ۱۳۸۹، تأثیر کیفیت حسابداری بر اقلام تعهدی اختیاری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۶- ابراهیمی و سیدی، علی، ۱۳۸۷، «بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، ش ۷، صص ۵۱-۶۳.
- 7- Beasley and Petroni, T. (2001) "Possible Factors of the Accuracy of Prospectus Earnings Forecasts Hong Kong." The International Journal of Accounting, No. 31, pp. 381398-.
- 8-Craswell, A., Francis, J. and Taylor, S. (1995), "Auditor brand name reputations and industry specializations", Journal of Accounting and Economics, Vol. 20 No. 3, pp. 297322-.
- 9- Hogan and Jeter, R. (1999) "Legal Determinants of External Finance." Journal of Finance, No.52, pp.11321150-.
- 10-DeFond, M., Jiambalvo, J., Francis, J. and Wong, T. (2000), "Auditor industry specialization and market segmentation: evidence from Hong Kong", Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. 19 No. 1, pp. 4966-.
- 11-Ferguson, A., Francis, J. and Stokes, D. (2003), "The effects of firm-wide and office-level industry expertise on audit pricing", The Accounting Review, Vol. 78 No. 2, pp. 429448-.
- 12- Krishnan, D. (2003) "Management's Incentives to Avoid Negative Earnings Surprises." The Accounting Review, No. 77, pp.483514-.
- 13-Balsam et al. (2003) "Corporate Managers' Earnings Forecasts and Symmetrical Adjustment and Outcomes Associated with Forecast Venue and Forecast Specify Choices." Journal of Accounting Research, No. 36, pp. 16790-

- 14-Solomon et al. (1999) "The Accuracy of Canadian and New Zealand s Earnings Forecast." *The Accounting Review*, Vol. 3, No.2, pp. 22123614-.
- 15- Li, Y., Stokes, D., Taylor, S. and Wong, L. (2009), "Audit quality, accounting attributes and the cost of equity capital", Working paper, Monash Business and Economics, Monash University, Victoria.
- 16- Hup and Longy, R. (2010) "Earning Surprises, Growth Expectations and Stock Returns is don't let an Earnings Torpedo Sink Your Portfolio." *Review of Accounting Studies*, Vol.7, pp.289312-
- 17- Fires and Palepu (2001) "Information Asymmetry, Corporate Disclosure and the Capital Markets: Review of the Empirical Disclosure Literature. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 31, No. 3, pp. 405440-.
- 18-Albert et al (2013) "Earnings Forecast Errors in IPO Prospectuses and Their Associations with Initial Stock Returns." *Journal of Multinational Financial Management*, Vol. 11, No. 2.pp. 225240-.
- 19-Juhel et al. (2014) "Bias and Accuracy of Management Earnings Forecasts: An Evaluation of the Impact of Auditing." *Contemporary Accounting Research*, No. 15, pp.167195-.
- 20-Jamie L. Hoelscher Scott E. Seavey, (2014),"Auditor industry specialization and corporate risk-taking", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 29, Iss. 7, pp. 596 – 620.